

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دگروال دکتر امین محمد حطیط استاد دانشگاه و محقق سیاسی، لبنان
برگردان از: احمد مزارعی
۲۱ دسمبر ۲۰۱۸



یاحمد مزارعی

درگیریها در منطقه شرق فرات در پرتو تهدید ترکیه به اشغال آنجا

ترکیه از ابتدای تجاوز به سوریه در سال ۲۰۱۱ به مثابه نوک سرنیزه این تجاوز بود با این هدف که امپراتوری عثمانی را که اخوان المسلمین عصب اصلی آن است بازسازی کند. اما پس از شکست این نقشه مجبور شد تا سقف مطالبات خود را پائین آورد با این ادعا که کارهایش طبیعی دفاعی دارد و به طور مشخص در برخورد با مشکل تجزیه طلبی کردها که ترکیه ادعا دارد که وحدت ملی ترکیه را تهدید می کند. اما این ادعای ترکیه با هدف اشغالگرانه این کشور در میدانهای جنگی در تضاد قرار دارد. از نظر کسی که عملکرد ترکیه و موضعگیریهایش را در سوریه دنبال می کند نتیجه می گیرد که ترکیه طرحهای ویژه خود را در سوریه دارد و همیشه مترصد فرصت است تا اهدافش را پیش ببرد و این صرف نظر از این است که چه موضعگیری می کند و یا چه تعهداتی را با این و یا آن دولت امضاء می کند. هدف اصلی ترکیه متوقف نمی شود.

ترکیه از این فکرآزمندانه اش که باید مرزهایش را با سوریه و عراق و تسلط بر آنها به نفع خود تغییر دهد تجدید نظر نکرده است و اگر تاکنون موانعی در راه بوده که نتوانسته است منطقه جنوب موصل تا شهر رقه و تا جنوب حلب و تا امتداد استان ادلب و جسر الشغور را در کنترل بگیرد اما منصرف نشده است، از نظر ترکیه گسترش میدانهای جنگی مستقیم در این منطقه و سپس از طریق تغییر و توزیع دموگرافیکی تازه ای، می تواند حاکمیتی بدون مرکزیت و گسترده، با ابعاد سیاسی را در این منطقه وسیع در خاک سوریه به وجود آورد که تابع تصمیم گیریهای سیاسی دولت ترکیه باشد، از نظر ترکیه این مناسبترین و کم خرج ترین راه می باشد. اما این راه حل ترکیه که طرح آن را از قبل تهیه کرده است مستلزم به اشغال درآوردن این منطقه به طور کامل است که بتواند به عنوان رقه قدرتمند سیاسی برای راه حل مشکل سوریه از آن استفاده کند، هم اکنون ترکیه کوشش زیادی به کار می برد که در کمیته نوشتن قانون اساسی سوریه نفوذ

داشته باشد و آشکارا اعلام می کند که تنها پس از حل این مشکل و اجرای انتخابات بر اساس این قانون اساسی از سراسر خاک سوریه خارج خواهد شد. (۱)

به این دلیل است که ما مشاهده می کنیم موضعگیریهای ترکیه همیشه نامعلوم و "سیال" است و تعهدات این کشور در مقابل هیچ مرجع رسمی منطقه ئی و یا بین المللی اعتبار نداشته و آن را به اجراء در نمی آورد و آشکار شده است که ادعاهای ترکیه در مورد یافتن راه حل سیاسی تنها فریبکاری و برای به دست آوردن فرصت بیشتری است تا بتواند سیاستهای خود را پیش ببرد. هرآنکسی که موضعگیریهای عملی و سیاسی ترکیه را از ابتدای شروع جلسات اولیه "آستانه" با شرکت روسیه و ایران تا کنون دنبال می کند بدرستی این ادعا و وصفی که ما از سیاستها و عملکرد های دولت ترکیه به دست داده ایم پی می برد. اکنون در اینجا ما سؤالی مطرح می کنیم: آیا ترکیه توانائی آن را دارد که اهداف و برنامه های خود را در مورد سوریه به اجراء در آورد و آیا ترکیه در به اشغال در آوردن شرق شمالی سوریه موفق می شود؟

به بررسی منطقه مورد نظر ترکیه می پردازیم و می بینیم که در آن منطقه سه نیرو عمل می کند: آمریکا، کردهای سوریه دموکراتیک "قسد" و داعش، اما کسانی که از وجود برنامه ترکیه آسیب می بینند عبارتند از دولت مرکزی سوریه، طیفهای گوناگون ملت سوریه در آن منطقه شامل کردها و عربها. حال باید دید که موضعگیری آنها در برابر برنامه اشغالگری ترکیه چیست و نتایج حاصله چه می تواند باشد؟

از آمریکا شروع می کنیم که امروز آشکارا جنگ خود را علیه دولت سوریه طبق معمول با یک سیاست دوگانه پیش می برد، از یکسو اشغال منطقه شرق فرات را با دو ابزار کردها "قسد" (نیروهای سوریه دموکراتیک) و داعش تروریستی اعمال می کند، از طرف دیگر به وسیله "قسد" بر روی یک برنامه تجزیه طلبانه نیز کار میکند و یک ستراتیژی جایگزین را نیز پیش می برد و آن چیست؟ آمریکا پس از شکست در جنگ سرنگون کردن دولت سوریه اکنون می کوشد از پیروزی شدن کامل دولت سوریه جلوگیری کرده و با طولانی کردن درگیریهای داخلی سوریه بقای خود را در سوریه توجیه کند تا دولت قانونی سوریه نتواند از دستاوردهای بعد از پیروزی در جنگ داخلی استفاده کرده و تبدیل به دولتی با مناسبات عادی گردد، اضافه بر آن هدف دیگر ستراتیژیک آمریکا این است تا رابطه زمینی میان دو طرف محور مقاومت از طرف شرق، ایران و در طرف غرب سوریه و لبنان را نا امن و در دست خود نگهدارد (۲)

اما این ستراتیژی آمریکا با اهداف ترکیه در مورد کردها به ویژه حزب کارگران کردستان که از نظر ترکیه تروریست به حساب می آیند در تضاد است و ترکیه هیچ امتیاز و یا خصوصیتی حاضر نیست برای کردها به رسمیت بشناسد زیرا با امنیت ملی ترکیه کاملاً مخالف است، این تناقض و مخالفت دولت ترکیه در صورت حمله نظامی ترکیه به منطقه نفوذ "قسد" و یا محاصره آن احتمال درگیری میان آمریکا و ترکیه را پیش خواهد آورد. آیا این درگیری اتفاق خواهد افتاد؟

در بازگشت به طبیعت اشیاء و موقعیتهای ستراتیژیک، مشاهده می کنیم که ترکیه قبل و بعد از کردها هم پیمان آمریکا بوده و اگر آمریکا دریابد که حضور ترکیه در شرق فرات به مصلحتش خواهد بود یعنی ترکیه اجازه ندهد مشکل سیاسی دولت سوریه از طریق مسالمت آمیز حل شود و سوریه نتواند به وحدت کشوری خود باز گردد، در آنصورت دیگر در سراسر منطقه به کردها نیازی نخواهد داشت و رهپیشان خواهد کرد که این فایده را نیز برای آمریکا خواهد داشت که از آن پس نیازی به احضار واحدهائی از ارتش عربستان و امارات به این منطقه نخواهد بود زیرا اعراب ساکن این منطقه با حضور کردهای مسلح در منطقه شرق فرات مخالف می باشند، با وجود ارتش ترکیه این نگرانی اعراب منطقه شرق فرات نیز برطرف خواهد شد و اطمینان خواهند یافت که در زیر سلطه کردها قرار نخواهند گرفت. تنها کاری که آمریکا در این مرحله در برابر جنگ ترکیه در منطقه می تواند انجام دهد این است که از یک طرف مانع پیشرفت سریع

ارتش ترکیه شده و در همین حال به کردها یزیر فرمائش یعنی "قسد" کمک کند تا نیروهای خود را از منطقه خارج کرده و به مناطقی کوچ کنند که اکثریت ساکنانش را کردها تشکیل می دهند، مناطقی که تنها دوازده درصد منطقه ای می باشد که اکنون در دست کردهای وابسته به خود یعنی "نیروهای سوریه دموکراتیک" می باشد و بدین شکل امریکا با ترکیه دچار درگیری نخواهد شد و کردهای مسلح را هم برای ذخیره خود نگهداشته است، امریکا با این سیاست خود می تواند ائتلاف خود را نیز هم با کردها و هم با دولت ترکیه حفظ نماید.

اما در مورد مقابله کردهای "قسد" با ارتش ترکیه، آنها قدرت کافی برای مقابله با ارتش ترکیه و حفظ مناطقی که در دست دارند نیستند و حفظ منطقه مذکور نیاز به نیروهای شش برابر نیروهای فعلی خود دارند که بتوانند در برابر ارتش ترکیه ایستادگی کنند و اگر آنها گمان می برند که امریکا به خاطر آنها با ارتش ترکیه وارد جنگ خواهد شد توهمی بیش نیست و اگر بیشترینگوئیم که آنها از ارتش سوریه برای نجات خود درخواست کمک کنند که متأسفانه آنها به خطائی ستراتیژیک دست زده و از دامان دولت سوریه خود را بیرون کشیدند و با اقدام به یک عمل تجزیه طلبانه به دامان امریکا پناهنده شدند، با این وضعیت غیر منطقی می باشد که دولت سوریه به حمایت از آنها اقدام کند. دولت سوریه هنگامی دخالت می کند که به قصد آزدسازی سراسری سرزمین خود باشد و در آن صورت همه گروهها و دولتهایی که به طور نامشروع وارد خاک سوریه شده اند از جمله منطقه زیر نفوذ "قسد" شامل می شود.

در اینجا تنها داعش می ماند که امریکا آنان را به عنوان برگ برنده ستراتیژیک و همچنین برای توجیه بقای اشغالگرانه خود در منطقه، حفظ خواهد کرد. ما باور داریم که ترکیه برای مبارزه با داعش و کمک به امریکا وارد منطقه جزیره در شرق سوریه و هم مرز با عراق نخواهد شد، ترکیه در گذشته نیز با گروههای تروریستی در سوریه وارد جنگ نشد بلکه از آنها حمایت کرده و به آنها پناه داد و امروز هم با گروههای تروریستی همکاری خواهد کرد و هیچ درگیری میان داعش و ارتش ترکیه به وجود نخواهد آمد، همه آنها، در هماهنگی کامل با اهداف ستراتیژیک امریکا و زیر پرچم امریکا با یک دیگر همکاری خواهند کرد.

با این حساب ترکیه می داند که فرصت اعمال تهدیدهایش مبنی بر اشغال سراسر شرق فرات و وجود دارد زیرا نیروهای سه گانه موجود در آن منطقه از نظر نظامی توانائی ایستادگی در مقابل ارتش ترکیه را ندارند و اگر مانعی در سر راهش وجود داشته باشد فکر می کند که سیاسی است زیرا اتحادیه اروپا ترکیه را نصیحت کرد که از حمله به شرق فرات خودداری کند که این که ایران و روسیه نیز تأکید ورزیدند که حمله به شرق فرات در صورت اجراء با تقاضاهای آستانه مغایرت دارد. به این معنی که ترکیه تنها به جنگی محدود در شرق فرات دست خواهد زد که نه به درگیری با داعش منجر خواهد شد و نه این که نیروهای امریکائی را دچار مشکل خواهد کرد و شاید به تغییر و تحولاتی جزئی دست بزند که به اهداف امریکا در شرق فرات برخورد نکند، اما در مورد "قسد" و یا همان "نیروهای دموکراتیک سوریه"، آنها خود را در این میان نخواهند یافت که از امریکا و یا از ائتلاف بین المللی تنها "اطمینان توخالی" دریافت خواهند داشت و نه اقداماتی عملی که آنها را نجات دهد. حال باید دید که در این وضعیت دولت سوریه چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد؟

بدیهی می باشد که موضعگیری دولت سوریه و محور مقاومت به اصول و تصمیمات ثابت دولت سوریه ارتباط دارد و همچنین به امکاناتی که می تواند در خدمت اولویتهای این اصول باشد. از نظر سوریه وجود هرگونه نیروی نظامی که خودسرانه و بدون موافقت دولت این کشور وارد سوریه شده اند نامشروع می باشند. با این حساب نیروهای چهارگانه ای که اکنون خودسرانه وارد خاک سوریه شده اند همچون امریکا و ترکیه و یا داعش و "قسد" که به انواع تجاوزات در خاک سوریه دست می زنند و یا به اقدامات تجزیه طلبانه مبادرت می ورزند و یا همچون داعش و "قسد" که با یکدیگر به

درگیری می پردازند، همه آنها به دستور امریکا و علیه وحدت سوریه عمل می کنند و اگر "قسد" خواستار حمایت دولت سوریه می باشد باید از اقدامات تجزیه طلبانه خود تحت حمایت امریکا دست برداشته و به وحدت سوریه احترام بگذارد و بدینوسیله بهانه را از دست دولت ترکیه گرفته و مانع حمله ارتش این کشور به آنها در خاک سوریه گردد.

با این حساب ما مشاهده می کنیم که طرفهای چهارگانه ای که در شمال سوریه به طور غیر قانونی حضور یافته اند دارای ستراتیژیهای هستند که در ضدیت بایک دیگر قرار داشته و این علی رغم این است که همه آنها به نوعی زیر نفوذ امریکا هستند و البته امریکا نیز در وضعیت بهتری قرار ندارد. در مقابل دولت سوریه به اصول و جدول بندی اولویاتش پایبند است که در مقدمه آن آزاد سازی ادلب قرار دارد و دوم این که دولت سوریه اتفاقاتی را که در شرق سوریه می گذرد به طور دقیق زیر نظر دارد تا هر آنچه را که برای آزادسازی آن منطقه از وجود تروریسم و اشغالگری مقتضی بداند اقدام کند و هیچ گونه مانع و عایقی نخواهد توانست مانع این تصمیم دولت سوریه گردد. در نتیجه هجوم فعلی ترکیه به منطقه شرق فرات اگر اتفاق بیفتد، تنها یک حرکت متهورانه و عملی بی نتیجه خواهد بود و ادامه آن نیز همراه با حماقت و فریبکاری ترکیه خواهد بود که نقض توافقاتی است که این کشور در "سوچی" با روسیه در مورد ادلب امضاء کرده است و نتیجه بیشتر آن متراکم شدن هرچه بیشتر خسارتهای ترکیه است که از ابتدای تجاوزش به سوریه و تا کنون بر روی هم انباشته شده است.

آیا اعلان دیروز جابیش اوغلو وزیر خارجه ترکیه مبنی بر این که اگر دکتر بشار اسد در یک انتخابات دموکراتیک از طرف مردم سوریه انتخاب شود، حاضر است با بشار اسد همکاری کند. آیا این اظهار اوغلو نقطه شروعی برای بازگشت ترکیه به واقعیت سیاسی و عقلانیت و ترک ماجراجوییهای سراسر زیانمند گذشته ترکیه نیست؟

زیرنویس مترجم:

(۱) دیروز مطبوعات عرب نوشتند که دیمستورا نماینده ملل متحد در امور سوریه شش نفر از طرفداران آشکار امریکا و ترکیه را که مورد حمایت ترکیه نیز بوده و از اعضای اخوان المسلمین هستند، برای شرکت در کمیته پیش نویس قانون اساسی سوریه پیشنهاد داده است که مورد مخالفت روسیه و ایران قرار گرفته است، این شش نفر خارج از لیست ۱۵۰ نفره ای می باشد که قبلاً توسط ایران، روسیه و ترکیه با توافق مشخص شده است.

(۲) چند روز پیش مسئول کمیته امنیتی در پارلمان عراق آقای محمداوی پیشنهادی را به مجلس داد تا برای اخراج همه نیروهای بیگانه از جمله امریکائیا برنامه عاجلی را به تصویب برسانند از نظر محمداوی وجود امریکائیا در منطقه و مرزها موجب نا امنی در عراق و منطقه می گردد و

هیجدهم دسمبر ۲۰۱۸